

جایگاه حقوقی شهود و مطلعین در حقوق ایران

مجید عابدی کیا^۱، دکترسیامک جعفرزاده^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی (دانشگاه ارومیه)

abedikiya@gmail.com

^۲ دانشگاه ارومیه

siamak_jafar@yahoo.com

چکیده

ادله اثبات دعوا یکی از مباحث مهم در آیین دادرسی مدنی و به طور کلی نظام حقوقی یک کشور به حساب می آید. ادله اثبات در کشورهای مختلف یکسان نبوده و از ارزش اثباتی یکسانی نیز برخوردار نمی باشد. یکی از مهم ترین این ادله که شیوع و اهمیت فوق العاده ای در اثبات امور مدنی و کیفری برخوردار می باشد، شهادت شهود است. در این مقاله سعی شده با تکیه بر قانون، تحقیقات قبلی و توجه به نظام های حقوقی سایر کشورها، به طور ویژه جایگاه شهود و گواهان در حقوق مورد مطالعه قرار گیرد. برای این منظور دستورات فقهی که مبنا و ریشه قوانین ما را تشکیل می دهند مورد مطالعه قرار گرفته و با توجه به مواد مصرح قانون و همچنین نظریات دکترین های حقوق شرایط شاهد و گواه، وظایف این افراد در جریان دادرسی، توان اثباتی و حدود شهادت شهود، تشریح گردیده است.

کلمات کلیدی

شاهد، شرایط شهود، ارزش اثباتی شهادت، تعداد شهود، امور عدمی

۱- مقدمه

کشورهایی که نظام حقوقی آن‌ها مبتنی بر اسلام است به چشم می‌خورد. ولی به طور مثال در حقوق کشور هلند طرفین می‌توانند به عنوان شاهد در دادرسی حضور یابند.^۵

۳- منابع شهادت

در قانون: کتاب سوم حقوق مدنی از مواد ۱۳۰۶ تا ۱۳۲۰ به فصل شهادت اختصاص یافته بود. در آبان ماه سال ۱۳۷۰ دستخوش تغییراتی شد و ۸ ماده از جمع ۱۴ ماده آن باقی مانده است و مواد ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۲ در رابطه با شهادت حذف شد. مواد ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۱ مغایر شرع شناخته شد. ماده ۱۳۰۹ از طرف شورای نگهبان تحول عمیقی در بحث تجزیه و تحلیل شهادت به وجود آورد. همچنین مبحث چهارم از فصل دهم آیین دادرسی مدنی نیز تغییراتی یافت و از ماده ۴۰۶ تا ۴۲۵ آن حذف شد.

در قرآن کریم: در قرآن کریم بر ادای شهادت تاکید شده و احکام آن نیز تا حدودی بیان گردیده است. به گونه‌ای که «کتمان شهادت از گناهان بزرگ است و در قرآن کریم از آن با صراحت، نهی و قلب کتمان کننده گنهکار شمرده شده است.^۷ پس هرگاه شهود را به دادگاه بخوانید نباید از رفتن امتناع کنند و کسانی که بخواهند حق را کتمان کنند علاوه بر کیفر دنیوی مانند ضمان و حد و غیره، در آخرت مورد بازخواست قرار می‌گیرند.

۴- شروط شهادت

شهادت برای اینکه دارای ارزش اثباتی در دعاوی باشد بایستی دارای شرایط لازم باشد که این شرایط عبارتند از صفات شاهد از قبیل بلوغ، عقل، عدالت، ایمان، طهارت مولد و مبری بودن از تهمت و همچنین شهادت باید از روی قطع و یقین باشد، مطابقت با دعوی داشته باشد و شهادت شهود باید مفادا متحد و در معنا با هم موافق باشند هر چند که در لفظ مخالف هم باشند بر خلاف حقوق اسلام (فقه امامیه) در حقوق مدنی ایران در ماده ۴۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی تشخیص درجه ارزش اثباتی شهادت و تاثیر آن در اثبات دعاوی به نظر شخص قاضی واگذار شده است، در حالی که در حقوق اسلام (فقه امامیه) قاضی بایستی براساس شهادت شهود مبادرت به اصدار رای نماید.^۸

۵- شرایط شهود و مطلعین

در این بخش می‌خواهیم به پاسخ این سوالات برسیم که چه اشخاصی می‌توانند شاهد باشند؟ این اشخاص باید دارای چه ویژگی

برای اثبات حق در نظام های حقوقی مختلف و هم چنین در ادوار مختلف تاریخی راهکارهای متفاوتی وجود داشته است. یکی از راه های همیشگی و موثر در اثبات دعوا و حق شهادت می باشد. شهادت اشخاصی که محسوسات خود را در اختیار مقام صالح قرار می دهند همواره از اهمیت یکسانی برخوردار نبوده و بنا به موضوع حق و سایر عوامل متفاوت خواهد بود.

برای اینکه بتوان به گفته های اشخاص اعتماد کرد و آن را مبنا یا راهنمایی برای صدور حکم قرار داد شروطی برای شخص شاهد در نظر گرفته شده که برخی از این شروط ضامن درستی ادراک گواه و برخی دیگر ضامن صداقت و حفظ امانت این اشخاص می باشد. در این مقاله سعی شده به بررسی نقش شهود و گواهان پرداخته شود و معیارهای لازم برای ارائه نقش این اشخاص در جریان دادرسی ارایه گردد. در این راستا، ابتدایی برای ورود به بحث به تعریف شاهد پرداخته شده و پس از آن شرایطی که برای شاهد در منابع مختلف ذکر گردیده تجزیه و تحلیل می گردد. پس از آن ارزش اثباتی شهادت، حدود آن، شهادت در امور عدمی و وظایف شاهد ذکر گردیده و در نهایت نتیجه گیری ای که از مقایسه نظام حقوقی ایران با سایر نظام ها و سایر تجزیه تحلیل های مذکور در مقاله به دست آمده، ذکر می گردد.

۲- تعریف شهادت و شاهد

حقوقدانان و فقها تعاریف متعددی برای شهادت ارائه نموده اند که می توان گفت همه آن ها دارای عناصر یکسانی می باشند و در ماهیت امر تفاوتی ندارند. از جمله در تعریف شهادت گفته شده: « اخبار صحیح از وقوع امری به منظور ثبوت آن در جلسه دادگاه.»^۱ شهادت به مفهوم اعم اینگونه تعریف گردیده است: «اخبار فرد نزد مرجع قضای از دیده ها یا شنیده ها یا سایر آگاهی هایی است که به صورت اتفاقی یا به درخواست یکی از اصحاب دعوا از موضوعی پیدا کرده است.»^۲ اصولا شهادت تحت عنوان من شهادت می دهم ، من گواهی می دهم انجام می شود. هر مسلمانی خود را ملزم می داند وقایع اتفاق افتاده را بر حسب آگاهی خود اظهار کند.

شاهد در لغت به معنی گواه و کسی است که امری یا واقعه ای را مشاهده کرده است.^۳ و در اصلاح حقوقی با توجه به تعاریفی که برای شهادت ذکر شده می تواند شاهد را اینگونه تعریف کرد: «هرشخصی که گاه به طور اتفاقی و گاه بنا به درخواست طرفین در موقع انجام فعل یا واقعه مورد انکار حاضر بوده و در پی آن می تواند وجود، کیفیت یا نتایج آن را برای قاضی تایید نماید .^۴ تعاریف نسبتا مشابهی در حقوق کشورهای مختلف برای مفهوم شاهد ذکر شده است ولی در برخی از آنها عناصری وجود دارد که در برخی دیگر ذکر نشده. مثلا در برخی از تعاریف تصریح شده که شاهد شخصی غیر از طرفین یا بیگانه نسبت به دعوی یا ثالث نسبت به قضیه است؛ این موضع بیشتر در

عنوان گواه معرفی می شود علی رغم رسیدن به سن ۱۵ سال بالغ نشده، شرط مزبور در او وجود ندارد.^{۱۴}

در حقوق رومانی شرط سن برای ادای شهادت وجود ندارد، اما قاضی باید در قضاوتش به وضعیت شاهد توجه کند. در حقوق ایالات متحده اشخاصی که به دلیل نقص یا کمی سنشان اهلیت ندارند، نمی توانند شهادت بدهند.^{۱۵}

نکته‌ی قابل توجه اینکه قانونگذار پیری و سن زیاد را از موانع شهادت قرار نداده؛ اما از آنجا که شاهد باید دارای اراده و هوشیاری کامل باشد چنانچه پیری موجب فقدان اراده شود از موانع شهادت خواهد بود.^{۱۶}

۵-۲ عقل

شهادت زمانی معتبر است که شاهد عاقل باشد و چنانکه گفتار مجنون در اثر اختلال قوای دماغی قابل اعتماد نباشد، شهادت ایشان معتبر شناخته نخواهد شد. این امر در صورتیست که جنون دائمی باشد، ولی هرگاه جنون شاهد، ادواری باشد شهادت او در حال افاقه معتبر خواهد بود. «این مساله میان فقهای اسلامی اتفاقی است، و سیره خردمندان نیز بر همین امر استوار است»^{۱۷}. در این مورد دادگاه باید به روش مقتضی اطمینان حاصل نماید که مجنون ادواری کاملاً دارای حضور ذهن باشد. از این روست که ماده ۱۳۱۳ قانون مدنی تصریح می نماید که شهادت دیوانه در حال دیوانگی پذیرفته نمی شود.

بنابر مستنبط از روح قانون و مواد مربوطه، شهادت کسی که مبتلا به فراموشی است و اغلب امور یا بعض آن را فراموش می نماید قابل اعتماد نخواهد بود، زیرا ممکن است قسمتی از واقعه را فراموش نموده باشد و قسمت دیگر را که بیان می کند حقیقت امر را دگرگون جلوه دهد، مگر آنکه دادرس با تحقیقات لازمه از شاهد، بتواند حقیقت امر را از گفتار او دریابد. بنابراین شهادت اشخاصی که در اثر کبر سن دارای ضعف دماغی شده‌اند نمی تواند مثبت دعوی قرار گیرد.^{۱۸}

«بله» کسی است که عموماً باموری که در مقابل او می گذرد توجهی ندارد و در حکم مجنون است. بنابراین ممکن است شخص «بله» تمامی جزئیات امری را که از آن گواهی می دهد در دماغ خود ضبط ننموده باشد، بدین جهت نمی توان به گفتار این دسته از افراد اعتماد نمود مگر آنکه دادرس بوسیله تحقیقات لازم بتواند حقیقت امر را از گفتار او بدست آورد.

شهادت سفیه معتبر می باشد، زیرا او عاقل است و عقلانی نبودن تصرفات او در اموال و حقوق مالیش مانع از اعتبار شهادت نمی باشد.

۵-۳- اسلام و ایمان

این شرط میان فقیهان امامی اتفاقی است. به موجب این شرط چنانچه گواه از اقلیت‌های دینی باشد نمی‌تواند علیه شخص مسلمان

های روحی و جسمی ای باشند؟ آیا شأن و جایگاه اجتماعی افراد تاثیری در مسئله ادای شهادت دارد یا خیر؟

اصولاً هرکسی از موضوع متداعیین اطلاع داشته باشد می تواند بر آن گواهی دهد ولی چون شرع انور اسلام اعتبار نامحدودی برای گواهی می شناسد لذا شرایط خاص و تضمینات دقیقی برای آن قایل شده است تا گواهی مورد سوء استفاده قرار نگیرد؛ و از آن جایی که نظام دلایل آزاد در بیشتر کشورها پذیرفته شده است و در این نظام محدود نمودن اختیار قاضی توسط قواعد محدود کننده درباره شخص شاهد لازم دانسته نشده، در سایر کشورها نیز اصولاً هر شخصی می تواند شاهد باشد. در نتیجه در سال های اخیر شاهد سیر تحول حقوق ادله اثبات دعوی به سوی حذف یا کاهش عدم اهلیت و عدم شایستگی برای شهادت دادن بوده ایم.^۹

اهلیت صلاحیتی است که شخص برای دارا شدن و اجرای حق دارد. این صلاحیت دارای دو چهره متمایز است: اهلیت تمتع و اهلیت تصرف.^{۱۰} در حقوق کنونی اهلیت در مراحل مختلف رشد انسان یکسان نیست و به تدریج اهلیت آدمی همراه با رشد قوای جسمی و دماغی، تکامل می یابد و اهلیت ناقص که در مراحل نخستین زندگی وجود دارد به تدریج به اهلیت کامل تمتع تبدی می گردد، به گونه ای که انسان بالغ، عاقل و رشید دارای توانایی کامل جهت دارا شدن و اجرای حق و تکلیف است.^{۱۱} در مورد شهادت نیز برای اینکه شهادت اشخاص مورد قبول واقع شود همواره فرد باید در زمان ادای شهادت یا زمان مشاهده ویژگی هایی داشته باشد در غیر این صورت برای ادای شهادت اهلیت نخواهد داشت. از جمله این شرایطی که برای شهادت ذکر شده عبارت است از :

۵-۱- بلوغ

بر طبق ماده ۱۳۱۴ قانون مدنی شهادت اطفالی را که به سن پانزده سال تمام نرسیده اند فقط ممکن است برای مزید اطلاع استماع نمود، مگر در مواردی که قانون شهادت این قبیل اطفال را معتبر شناخته باشد.

ممکن است این مسئله به ذهن خطور کند که بر طبق تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی دختری که به سن نه سال قمری رسیده بالغ است و شهادت او بر مبنای ماده ۱۳۱۳ ق.م باید در دادگاه پذیرفته شود. زیرا در ماده ۱۳۱۳ ق.م رشد از شرایط شاهد نیست و سن ۱۵ سال را نباید اماره رشد در مورد شهادت دانست. ولی از سوی دیگر طفل نامیدن دختر باید معنی ویژه ای در این ماده داشته باشد و مناسب زمانی است که سن کبر ۱۸ سال بود. در وضع کنونی واژه بالغ نیاز به تفسیر و تامل دارشته و این امر نظری را تایید می کند که پانزده سالگی را برای دختر و پسر یکسان می داند.^{۱۲} پس باید نتیجه گرفت که پانزده سالگی سن اهلیت شهادت دادن است، خواه شاهد پسر باشد یا دختر.^{۱۳} لازم به ذکر است «اگر احراز شود شخصی که به

دادرس نباید شهادت او را استماع بنماید. ماده ۱۳۱۳ سابق ق. م از قوانین آمره بود و دادرس باید بدون ایراد اصحاب دعوی از پذیرش آن امتناع می کرد. بطوری که ماده «۴۱۲» ق آئین دادرسی مدنی تصریح می نمود که: «گواهی استماع نمیشود مگر از اشخاصی که مطابق قانون مدنی اهلیت اداء گواهی داشته باشند». دادرس نمی توانست گفتار اینان را حتی برای مزید اطلاع استماع نماید. در فقه، شهادت شخص برای شریک خود بر مال شراکتی، طلبکار برای محجور بر مال متعلق طلب او، مالک برده برای برده و به قول مشهور، شهادت وصی و وکیل نسبت به آنچه بر آن ولایت دارند، پذیرفته نیست.^{۲۶}

۵-۶- نبودن دشمنی دنیوی بین گواه و طرف مربوط

بین شاهد و شخصی که علیه او شهادت داده می شود نباید هیچگونه خصومت و کینه علنی وجود داشته باشد. ولگردی و تکدی را شغل خود قرار نداده باشد به گفتار اشخاص ولگرد و کسانی که تکدی را شغل خود قرار داده باشند نمی توان اعتماد نمود. زیرا «وضعیت اخلاقی آنان موجب تهمت آنان می شود که در گفتار خود تطمیع شده باشند».^{۲۷} [۲۷] با توجه به اینکه اشتغال به تکدی گری یا ولگردی جرم است این سوا پیش می آید که آیا برای احراز آن لزوم رایه حکم محکومیت کافر وجود دارد؟ باید گفت با توجه به ماده ۱۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری سابق پاسخ به این سوال منفی است.^{۲۸}

۵-۷- طهارت مولد

این شرط در ماده ۱۳۱۳ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ پیش بینی نشده بود و در اصلاحاتی که در قانون مدنی به عمل آمد، به پیروی از فقه در ماده مزبور آورده شد.^{۲۹} نداشتن رابطه خویشاوندی گواه با یکی از اصحاب دعوا در حقوق ایران شهادت پدر له و علیه فرزند قبول می شود. ولی شهادت فرزند علیه پدر محل تردید است.^{۳۰} در حقوق بسیاری از کشورها از جمله آلمان، بلژیک، هلند، یونان کبک عدم اهلیت شهادت دادن به سبب قرابت نسبی یا سببی وجود ندارد. «قرابت نسبی، سببی و ذینفع بودن می توانند تنها درباره درجه اعتبار شهادت، سبب جرح شاهد باشند».^{۳۱}

قانونگذار یونان در حرکتی نوین و به منظور حمایت از منافع خانوادگی، فرزندان مشروع، طبیعی، به رسمیت شناخته شده یا پذیرفته شده به فرزند خواندگی و همسرانشان را از شاهد شدن در دعاوی طلاق، ابطال ازدواج و روابط همسری والدینشان در دادگاه های ازدواج منع نموده است.^{۳۲}

شهادت دهد. ولی هرگاه مدعی علیه نیز از نظر ملّیت، هم کیش شاهد باشد به نظر می رسد به موجب «قاعدۀ الزام» پذیرفتن گواهی بلامانع است.^{۱۹} برخی معتقدند از آن جایی که هیچ یک از مواد قانونی، ایمان را شرط پذیرفتن شهادت قرار نداده است. بنابراین، مسلم می باشد که ایمان شرط پذیرفتن شهادت نیست. علت این امر هم آنست که شهادت در حقوق مدنی ایران مانند بینه در حقوق امامیه، امارة قانونی، نمی باشد بلکه برای کشف حقیقت امر است و بدستور ماده «۴۲۴» آئین دادرسی مدنی: «تشخیص درجه ارزش و تأثیر گواهی بنظر دادگاه است». بنابراین چنانکه دادرس متوجه به تعصبات مذهبی شاهد شود که نسبت باصحاب دعوی اعمال نظر می نماید ارزش لازم را به آن نمی دهد.^{۲۰}

«نسبت به لزوم شیعه بودن شاهد در دعوی دو شیعی مذهب، اختلاف جدی است و راه حل قاطعی وجود ندارد».^{۲۱} اما به عنوان یک راه حل کاربردی می توان گفت که شهادت آن ها شنیده می شود ولی ارزش و تاثیر آن با دادگاه است.

۵-۴- عدالت

از شروط اعتبار شهادت عدالت شاهد است. اگر شاهدی به دروغ و فسق مشهور است گواهی و شهادت او قبول نمی شود. اعتبار و شرط عدالت برای شاهد از امور اجماعی و اتفاقی میان عموم فقیهان مکاتب اسلامی است. و مستند آن هم آیات قرآن و هم روایات است.^{۲۲} آیه شریفه: «إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ ائْتِنِ دَوْلًا عَدْلًا مِنْكُمْ»^{۲۳} از جمله آیاتی است که به وجوب این شرط اشاره دارد.

«عدالت در فقه اسلام عبارت است از یک نیروی معنوی پایداری که صاحبش را دائماً در پرهیزگاری و رعایت جانب مروت نگهدارد»^{۲۴} تحقق عدالت با احراز شرایط مشروح زیر است:

- الف- حضور منظم شاهد در نماز جماعت
- ب- حسن شهرت او در داد و ستد و معاملات تجاری، همچنین ابراز حسن نیت و سلوک و مماشات در رفع اختلافات کهدر واقع زیربنای عدالت است.
- ج- صداقت در حفظ اماناتی که احتمالاً به شخص سپرده شده است.
- د- علاقه همیشگی و مستمر به حقیقت، راستی و درستی در امور.
- ه- خودداری از ارتکاب گناه کبیره یا عدم تقصیر مهم.
- و- عادت نداشتن به جرایم کم اهمیت.^{۲۵}

۵-۵- نفع شخصی در دعوی نداشته باشد

زیرا در این صورت شاهد متهم بطرفداریست و با نفع شخصی داشتن گواه در امر گواهی، احتمال طرفداری و دروغ او می رود و گفتار او نمی تواند موجب اعتماد دادرس شود و کاشف از حقیقت امر قرار گیرد. گواهی شاهدی که این شرط را دارا نباشد پذیرفته نمی شود و

۵-۸- نبودن سمت خادم و مخدومی

وجود سمت خادم و مخدومی گواه با یکی از اصحاب دعوا از موارد جرح گواه بود که این شرط در قانون جدید حذف گردید و میتوان گفت تنها می تواند از علل موثر در ارزش و درجه شهادت باشد نه از موارد جرح شاهد.

۵-۱۱- انسان بودن

در هیچ یک از مواد قانونی تصریح نشده که شاهد باید انسان باشد اما شرایط دیگر مانند: عدالت و ایمان قابل حمل بر سایر اشیاء و حیوانات نیست. بنابراین نمی توان تعقیب و شناسایی حیوانات تعلیم دیده و امثال آن را به عنوان شهادت تلقی نمود.^{۳۷}

۵-۹- محکوم به مجازات جنائی نشده باشد

«در بلژیک و فرانسه محکومین به برخی مجازات ها نمی توانند در دادگاه شهادت دهند اما اظهارات آن ها بدون اینکه قسم یاد کنند، میتواند به عنوان مزید علت استماع شود.»^{۳۳} و در رومانی اشخاصی که به خاطر شهادت دروغ محکوم شده اند، نمی توانند شهادت دهند. در حقوق ایران، سابقاً شق ۱ ماده ۱۳۱۳ قانون مدنی که در اصلاحات سال ۱۳۷۰ حذف گردیده است؛ بطور اطلاق، گواهی محکومین به مجازات جنائی را قابل پذیرفتن در دادگاه ندانسته بود. در زمان حکومت این ماده حقوقدانان معتقد بودند از آن جایی که شهادت دادن، یکی از حقوق اجتماعی افراد است و نمی توان کسی را بدون جهت از آن محروم نمود مگر بوسیله قانون؛ و با توجه به اینکه این ماده قانون مدنی، ناظر به مواد قانون کیفری است، بنابراین به نظر می رسد که نپذیرفتن شهادت محکومین به مجازات جنائی مادامی است که بدستور ماده «۵۸» قانون مجازات عمومی اعاده حیثیت از آنها نشده باشد و اعاده حیثیت در صورتی بعمل می آید که محکوم به مجازات جنائی، در ظرف ده سال از تاریخ اتمام مجازات، محکومیت جنائی جدیدی نداشته باشد. اکنون با توجه به حذف این ماده دیگر وجود چنین شرطی در امور مدنی برای شاهد دیده نمی شود.^{۳۴}

۶- ارزش اثباتی شهادت

در حقوق انگلیس بر خلاف حقوق بسیاری از کشور ها ، که ارجحیتی را برای اسناد کتبی قائل شده اند ، علی القاعده ادله شفاهی از مدارک کتبی رایج تر است.^{۳۸} در حقوق رم قدیم، تعداد شاهد و عینی بودن آن برای اثبات امور لازم بوده و حقوق ایران قدیم شهادت برادر زن، بدون توجه به درجه قرابت قابل استماع بوده و کمیت و کیفیت شهود نسبت به دعاوی وضع متفاوتی داشت. مثلاً اگر موضوعی در وسط بیابان اتفاق می افتاد با وجود یک نفر شاهد به اثبات می رسید در حالی که در امور دیگر وجود چهار شاهد برای اثبات مسئله مورد نظر لازم بود، در اسلام هم در امور مدنی، جزایی و تنظیم اسناد، شهادت یکی از دلایل معتبر و موثر است.^{۳۹} «در مذهب یهود هیچ عقد یا قراردادی بدون حضور شاهد معتبر نبوده و جهت اثبات هر دعوی مدنی وجود شاهد شرط لازم بود.»^{۴۰}

تا پیش از اصلاح قانون مدنی در سال ۱۳۷۰ ارزش اثباتی شهادت با موارد مختلفی یخصیص خورده بود. برای مثال ماده ۱۳۰۶ ق.م. بیان می کرد: بجز در مواردی که قانون استثنا کرده هیچ یک از عقود و ایقاعات و تعهدات را که موضوع آن عیناً یا قیمتاً بیش از پانصد ریال باشد نمی توان فقط به وسیله شهادت شفاهی یا کتبی اثبات کرد. از زمانی که با اصلاح قانون مدنی به شهادت اعتباری بی حد و حصر اعطا گردید ، مدعیان دروغین امیدوار شدند که از این طریق اموال دیگران را تصاحب کنند و حتی در مقابل سند رسمی نیز با معرفی دو یا چند شاهد اقامه دعوی نموده که مالک ملک خود را قبل از انتقال رسمی به خوانده ، به ایشان انتقال داده است و دادگاه نیز به تبعیت از اصلاح قانون مدنی ناگزیر به استماع شهادت اقدام و چه بسا اسناد رسمی را باطل اعلام کند و به این وسیله هدف از تصویب قانون ثبت اسناد و املاک که استوار کننده مالکیت در کشور بود ، نقض گردید. اما قضات دادگاه ها همواره با تردید به صحت شهادت نگاه کرده و رویه قضایی بر این شد که قضات زمانی به شهادت ترتیب اثر دهند که خود با تدابیر و تحقیقات دقیق به صحت شهادت یقین حاصل نمایند. ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی نه تنها قاضی را مختار ، بلکه مکلف نموده به منظور کشف حقیقت از هیچ اقدامی فروگذار نکند.

۵-۱۰- فقدان رابطه کینه و دشمنی اشکار بین شاهد

و متهم :

خواه دشمنی دنیوی به حدی برسد که موجب فسق و زوال عدالت گردد یا به این حد نرسد، مگر آنکه شاهد به نفع دشمن شهادت دهد یا منشأ دشمنی دین باشد. بنابر این، شهادت مسلمان علیه کافر صحیح است.

برخی گفته اند: تحقق دشمنی دنیوی به این است که از ناراحتی یکی، دیگری خوشحال و از خوشحالی او ناراحت گردد یا اینکه دو طرف به یکدیگر نسبت ناروا، همچون زنا بدهند.^{۳۵} همچنین در فقه آمده است گواهی دادن برخی اعضای کاروان به نفع برخی دیگر علیه راهزنان قافله به انگیزه دشمنی دنیوی پذیرفته نیست؛ لیکن به گفته برخی، چنانچه از شاهدان چیزی به سرقت نرفته باشد یا در صورت سرقت متعرض آن نشوند، شهادتشان پذیرفته است.^{۳۶}

اکثریت فقها و حقوقدانان، شهادت کذب در برخی موارد می تواند منجر به قصاص نفس شاهد نیز گردد.

۹- وظایف شاهد

در قوانین ایران سه وظیفه برای شاهد مقرر شده است: الزام به حضور نزد مقام تحقیق و یا رسیدگی، اتیان سوگند و ادای شهادت^{۴۵}.

۹-۱- حضور در دادگاه یا نزد مقام قضایی

قاضی مربوطه می تواند کلیه اشخاصی را که اظهارات آنان به نظرش مفید باشد احضار نماید. این اشخاص ممکن است به تشخیص خود قاضی یا به معرفی شاکی یا متهم و یا اعلام مقامات ذی ربط برابر قواعد و مقررات ناظر به احضار شهود برای انجام دادن تحقیقات و استماع اظهارات دعوت شوند.^{۴۶} البته در برخی موارد تشریفات خاصی برای احضار شهود یا استماع شهادت در نظر گرفته شده یا قاضی تحقیق باید در برخی شرایط از احضار شهود خودداری کند. مثلا «در صورتی که یکی از شهود تحقیق یا مطلعین از تابعین نیروهای مسلح باشد، باید حداقل ۲۴ ساعت پیش از تحقیق یا جلسه محاکمه از طریق فرمانده یا رئیس او دعوت شود. فرمانده و یا رئیس مربوط مکلف است پس از وصول دستور دادگاه، شخص احضار شده را در موقع مقرر اعزام نماید. یا زمانی که شاهد یا مطلع بیمار بوده و نتواند در دادگاه حاضر شود و یا اینکه شهود و مطلعین زیاد بوده و در یک محل مقیم باشند قاضی مربوطه خود به محل رفته و استماع شهادت می کند.

افرادی که مقیم در کشورهای خارجه هستند نمی توانند به راحتی به این وظیفه عمل کرده و به همین جهت راه حل زیر در دو موقعیت مختلف در نظر گرفته شده است:

الف: شهود مقیم کشوری هستند که با ایران قرارداد همکاری قضایی دارد: در این صورت مرجع رسیدگی کننده از طریق اداره حقوقی قوه قضاییه و وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به مراجع قضایی کشور محل اقامت شاهد یا مطلع نیابت قضایی اعطا می کند .

ب: شهود مقیم کشوری هستند که با ایران قرارداد همکاری قضایی ندارد: در این حالت در صورتی که شرط رفتار متقابل آن کشور با ایران وجود داشته باشد، می توان به ترتیب فوق عمل کرد.^{۴۷} لازم به ذکر است که در صورتی که شهود تحقیق ایرانیان مقیم خارج از کشور هستند، بهتر است گواهی استماع بوسیله نماینده کنسولی یا یکی از ماموران سیاسی مربوطه برای آنها ارسال، و نتیجه آن به اداره حقوقی ارسال گردد.^{۴۸}

۷- شهادت در امور عدمی:

دیوان عالی کشور ایران در یکی از آرای خود نظریه «اثبات ناپذیری مطلق امر عدمی» را مورد تشکیک قرار داده و اثبات پذیر بودن آن را از طریق یک امر وجودی ملازم با آن ممکن شمرده: دلیلی بر اینکه امر عدمی به طور کلی قابل تحقیق و رسیدگی نباشد موجود نیست و ممکن است به شهادت مطلعین مشتمل بر امر وجودی باشد، لذا عدم قبول تقاضای مزبور به عنوان اینکه در امر عدمی مورد ندارد صحیح نخواهد بود.^{۴۱}

هرچند از دیدگاه فقهای عظام شهادت عدمی معتبر نیست لیکن اگر آن برگشت به شهادت بر اثبات باشد بلامانع است. به دیگر سخن شهادت بر لوازم وجودی امر عدمی مسموع است و دادرسی باید از راه احراز آن لوازم، پی به لزوم برد و وازم عرفی و عادی در این باره کافی است.^{۴۲}

همچنین در یکی از آرای دیوان آمده است اگر طرف دعوی اثبات فقدان اصل وقفنامه را مستند به اطلاع مطلعین محلی نماید، دادگاه بایستی به این تقاضا ترتیب اثر بدهد.^{۴۳} یکی از مراجع تقلید معاصر در پاسخ به پرسش آیا امر عدمی با شهادت شهود قابل اثبات است؟ اینگونه پاسخ دادند: در صورتی که شرایط شهادت در آن جمع باشد مانعی ندارد.^{۴۴}

۸- شهادت دروغ

برابر ماده ۶۵۰ قانون تعزیرات، هرکس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد، به ۳ ماه و ۱ روز تا ۲ سال حبس یا پرداخت جزای نقدی محکوم می شود. ماده ۱۰ قانون انحصار وراثت نیز مقرر کرده است؛ هر شاهدهی که در موضوع تحصیل تصدیق وراثت، بر خلاف حقیقت شهادت دهد برای شهادت دروغ تعقیب و به مجازاتی که برای این جرم مقرر است محکوم خواهد شد. در ماده ۲۰۱ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری نیز آمده بود؛ در مواردی که دادگاه از شهود مطلعین درخواست ادای شهادت و یا اطلاع کند و بعد معلوم شود که خلاف واقع شهادت داده اند اعم از این که به نفع یا ضرر یکی از طرفین دعوا باشد علاوه بر مجازات شهادت دروغ، چنانچه شهادت خلاف واقع آنان موجب وارد آمدن خسارتی شده باشد به تأدیه آن نیز محکوم خواهند شد. می توان گفت در بررسی عنصر مادی جرم شهادت دروغ می توان به عنصر مهم - نزد مقامات رسمی بودن شهادت - به عنوان اصلی ترین رکن این جرم اشاره نمود. از لحاظ عنصر معنوی نیز این جرم از جرایم عمدی بوده که در تحقق آن وجود سوء نیت عام کفایت می کند. مجازات شهادت کذب بنا بر تبصره ماده مذکور ممکن است علاوه بر مجازات تعزیری حسب مورد یکی از مجازاتهای حدی، دیه و قصاص باشد. به عبارت دیگر، بنا بر نظر

۹-۲- اتیان سوگند

فاقد اثر خواهد بود؛ ثانیاً تعقیب متخلف را نیز به دنبال دارد^{۵۱}. این مسئله در امور کیفری نیز برقرار است و شهادت یا اقرار مأخوذه بوسیله اجبار یا تهدید فاقد اعتبار بوده و محکومیت مستند بر چنین شهادت یا اقراری در معرض بطلان است.^{۵۲}

۱۰-امتناع از ادای شهادت

در حال حاضر امتناع از ادای شهادت در حقوق کیفری ایران جرم نبوده و قابل مجازات نمی باشد. یکی از کشورهایی که به جرم انگاری امتناع شاهد از ادای شهادت پرداخته است، فرانسه می باشد. به مجموعه ای از «ممانعت از برقراری عدالت» قانون جدید جزای فرانسه تحت عنوان جرایم مربوط به این ۴۳۴-۱۱ جرایم مربوط به ادای شهادت از سوی شاهد اشاره کرده است. به موجب قسمت ابتدایی ماده قانون: هر کس نسبت به بی گناهی شخص که به اتهام ارتکاب یک جنایت و جنحه مورد بازداشت و تعقیب قرار گرفته است، آگاه و مطلع باشد و به صورت ارادی به خودداری از ادای شهادت نزد مقام های قضایی و قانون جزای فرانسه، اقدام کسی ۴۳۴-۱۲ یا اداری بپردازد، قابل مجازات خواهد بود. در همین راستا ماده که علی رغم اعلام آشکارا و علنی وی مبنی بر شناخت مباشران یا معاونان جنایت و جنحه، از پاسخگویی به سؤالات قاضی خودداری می نماید را جرم شناخته و به تعیین مجازات برای آن اقدام نموده است. این قانون می باشد ۴۳۴-۱۳ جرایم علاوه بر جرم شهادت کذب موضوع ماده روشن است حقوق فرانسه، مسؤولیت شاهد در تحقق عدالت را از جنبه های متفاوت مورد بررسی و ملاحظه قرار داده و با نگرشی نوین جرایم متعددی را در این خصوص پیش بینی کرده و بنا بر وظیفه و تعهد همگانی در تعاون اجتماعی به تحقق عدالت قضایی و رفع مانع از آن، حتی ترک فعل شاهد در ادای شهادت را نیز جرم انگاری نموده است. اما در حقوق ایالات متحده آمریکا، موضوع شکل دیگری دارد. این کشور از پیروان نظام حقوق کامن لا می باشد که در عین حال، اخیراً به سوی حقوق نوشته نیز روی آورده است. حقوق کیفری در این کشور در دو قلمرو ایالات و حکومت فدرال جریان داشته و گاه مقررات و قواعد حقوقی در دو ایالت از تفاوت های فاحشی برخوردار است. چنان چه قبلاً توضیح داده شد در این کشور و در سطح فدرال سه آمده است مربوط ۱۶۲۳ و ۱۶۲۵ مصوبه در مورد شهادت کذب وجود دارد. دو مصوبه آن، که در بندهای به طیف گسترده ای از اقداماتی است که تحت عنوان شهادت کذب مطرح بوده و تا حدود زیادی با می باشد که جرمی را تحت عنوان وادار ۱۶۲۲ یکدیگر نقاط اشتراک دارند و مصوبه دیگر، مذکور در بند کردن به شهادت کذب پیش بینی کرده است. در این کشور نیز رفتارهایی همچون ممانعت از ادای شهادت، جرم انگاری نشده است. با توجه به مراتب و بررسی های فوق الذکر که تفصیل آن در تحقیق جاری گذشت؛ به نظر می رسد و ملزومات آن

دومین وظیفه شاهد و مطلع اتیان سوگند پس از حضور نزد مقام قضایی است. ابتدا این امر زمانی جنبه وظیفه و الزام به خود می گیرد که احضار شده (شاهد یا مطلع) اولاً شرایط قانونی یا شرعی ادای شهادت را داشته باشد، ثانیاً داوطلبانه حاضر به ادای شهادت باشد^{۴۹}.

در مواردی که احقاق حق متوقف به شهادت شاهد عادل باشد و شاهد از اتیان سوگند استنکاف نماید بدون سوگند شهادت وی استماع خواهد شد. سوگند باید بنام خدایتعالی و صفحات مختصه او باشد و دادگاه میتواند به مناسبت ملیت کسی که سوگند یاد میکند کیفیت سوگند را از حیث زمان و مکان و غیره تعیین کند.

لزوم ادای سوگند در کشور ما یک قایده آمره است و نیاز به درخواست طرفیت برای لزوم ادای سوگند وجود ندارد. ماده ۲۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی بیان می کند: قبل از ادای گواهی، دادگاه حرمت گواهی کذب و مسؤولیت مدنی آن و مجازاتی که برای آن مقرر شده است را به گواه خاطر نشان می سازد. گواهان قبل از ادای گواهی نام و نام خانوادگی، شغل، سن و محل اقامت خود را اظهار و سوگند یاد می کنند که تمام حقیقت را گفته و غیر از حقیقت چیزی اظهار نمایند. در صورتی که احقاق حق متوقف به گواهی باشد و گواه حاضر به اتیان سوگند نشود الزام به آن ممنوع است.

در قوانین سایر کشورها اصولاً سوگند دادن شاهد پیش از ادای شهادت لازم است؛ در قوانین کشورهای عربی مثل کشور لبنان همانند قانون کشور ایران عمل شده. در ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی مدنی لبنان چنین آمده است «یجب علی الشاهد قبل اداء الشهادة ان یحلف الیمین علی انه یشهد بالحق کله و لا یشهد بسوی الحق». در فقه امامیه سوگند دادن شاهد امری ضروری نیست و درخواست مشهود علیه، نیز در این امر نقشی ندارد بنظر میرسد این امر کاملاً به اختیار خود دادرسی نهاده شده و چنانچه قاضی برای اطمینان اقدام به سوگند دادن نماید با هیچ گونه منع شرعی مواجه نمی باشد. هم اکنون در محاکم جعفریه کشور لبنان نیز به همین نحو اجرا می گردد.^{۵۰}

۹-۳- ادای شهادت

سومین وظیفه گواه ادای شهادت است. خداوند در آیه ۲۸۳ سوره بقره می فرماید: و شهادت را (در مرحله ادا) کتمان نکنید، و هر که آن را کتمان کند قلب او گنهگار است، و خدا به آنچه می کنید داناست.

با این حال مطابق اصل ۱۳۸ قانون اساسی اجبار شخص به شهادت و اصرار به سوگند مجاز نیست. این اصل بیان می دارد «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.» بنابراین در صورت الزام شخص اولاً چنین شهادتی

۳. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، جلد ۶، تهران، اسلامیه، ۱۳۴۰، ص ۱۹۴
۴. آیت شاملو احمدی، محمدحسین؛ دادسرا و تحقیقات مقدماتی، اصفهان، دادیار، ۱۳۸۳، چاپ اول، ص ۲۷۸.
۵. ... العظمی حضرت امام خمینی، تحریر الوسیله، جلد دوم، ص ۴۴۴ مسیله ۵.
۶. زراعت، عباس، محشای قانون آیین دادرسی مدنی، نشر ققنوس، ۱۳۸۳، ص ۳۰۵
۷. زراعت، عباس، حمیدرضا حاجی‌زاده؛ ادله اثبات دعوا، تهران، نشر قانون‌مدار، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۳۱۸
۸. شاملو احمدی، محمدحسین؛ دادسرا و تحقیقات مقدماتی، اصفهان، دادیار، ۱۳۸۳، چاپ اول، ص ۲۷۷
۹. شرح لمعه، ج ۱؛ ص ۲۹۱. مبانی تکملة المنهاج؛ ج ۱، ص ۸۰. علم القضاء؛ ص ۲۱۹.
۱۰. الشهید الثانی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، جلد ۳، انتشارات دارالعلم، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹
۱۱. شمس عبدالله، ادله اثبات دعوا، حقوق ماهوی و شکلی، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات دراک، ۱۳۹۲، ص ۱۳۶
۱۲. صفایی سید حسن، قاسم زاده، سید مرتضی، حقوق مدنی - اشخاص و محجورین، سمت، تهران، ۱۳۸۸، ص ۲۰۲ و ۲۰۳.
۱۳. صفایی، سید حسین؛ رحیمی، حبیب الله، ارزش اثباتی شهادت در حقوق خصوصی، پژوهش حقوق عمومی، ۱۳۸۳، شماره ۳۱
۱۴. کاتوزیان ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی - اعمال حقوقی قرارداد - ایقاع، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰، ص ۱۱۱
۱۵. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۱، ص ۷۸۷
۱۶. گلدوزیان، ایرج، ادله اثبات دعوا، دعاوی کیفری و حقوقی، چاپ دوم، نشر میزان، ۱۳۸۴
۱۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ ۲۲، جلد دوم، تهران، امیر کبیر، ص ۲۰۰۶.
۱۸. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه یزدی، جلد ۳، ص ۷۵
۱۹. دکتر نوربها، رضا، شکنجه در کنوانسیون ۱۹۸۴ سازمان ملل متحد، مجله کانون وکلاء، سال ۱۳۶۸، شماره ۱، ص ۱۴۹ - ۱۴۸، صفحه ۱۸۹.
۲۰. M.planiol, Traite paratique de droit civil francais, Vol. VII, paris 7954 no 1509 P. 958

و با «عدالت قضایی» شایسته است تا حقوق کیفری ایران با عنایت ویژه به عنوان و آرمان طراحی نگاهی جدید و جامع، قدم های بیشتری در جرم انگاری افعال و رفتارهای مانع در مسیر تحقق عدالت قضایی برداشته و به جرمی همچون شهادت کذب نیز در این افق بنگرد. از این منظر می توان پیشنهاد داد تا شهادت کذب، چنان چه در مراجع و موقعیت هایی غیر از دادگاه اقامه شود. واجد عنوان مجرمانه باشد و این جرم صرفاً محدود و محصور به دادگاه نگردد. از سوی دیگر با توجه به تعهد و وظیفه عمومی بر تعاون اجتماعی در تحقق عدالت قضایی و با عنایت به ظرفیت های فقهی موجود، می توان موضوع جرم انگاری امتناع از ادای شهادت را حداقل در موقعیت هایی که موجب انحراف دادرسی از مسیر عادلانه خود می گردد و یا همراه با سوء نیت می باشد را به عنوان یک نیاز، مورد توجه و کنکاش قرار داده و زمینه های این جرم انگاری را فراهم نمود. همچنین به نظر می رسد پیش بینی و تصریح قانونی به این موضوع که رجوع شاهد از شهادت کذب خود تا قبل از صدور دادنامه، موجب معافیت وی از مجازات جرم ادای شهادت کذب خواهد گردید؛ ضمن تشویق شهود به رجوع از شهادت کذب خود مانع تحریف در جریان عدالت نیز خواهد شد. چنانچه اشاره گردید چنین روندی در قوانین آمریکا و انگلیس نیز لحاظ شده است.^{۵۲}

۱۱- نتیجه

در قوانین ایران مفهوم شاهد و شهادت تعریف نگردیده ولی معمولاً در تعاریف حقوقدانان عناصر یکسانی دیده می شود. برای ارائه یک تعریف مانع و جامع از شهادت بهتر است همه این عناصر در تعریف حضور داشته باشند این عناصر عبارتند از خبر دادن، اخبار نزد مقام صالح، یاد کردن قسم، ذکر دقیق محسوسات. از دیگر نتایج این تحقیق این می باشد که با توجه به قوانین فعلی و جاری کشور تنها شروط لازم برای شاهد عبارتند از: بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، نداشتن نفع شخصی در دعوا، نبودن دشمنی دنیوی بین گواه و طرف مربوط، اشتغال نداشتن به تکدی و ولگردی، طهارت مولد، نداشتن رابطه خویشاوندی گواه با یکی از اصحاب دعوا، نبودن سمت خادم و مخدومی. همچنین لازم به ذکر است در امور عدمی امکان استناد به شهادت شهود وجود دارد.

۱۲- مراجع

- کتاب:
۱. آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۴، چاپ هشتم، ج ۲، ص ۱۳۷
 ۲. اشوری، محمد؛ آیین دادرسی کیفری، تهران، سمت، ۱۳۸۴، چاپ پنجم، جلد دوم، ص ۱۱۳.

مقالات:

۱. صفایی سیدحسین، رحیمی حبیب ا...، ارزش اثباتی شهادت در حقوق خصوصی، پژوهش های حقوق عمومی، شماره ۱۳، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵ و ۱۴۳

ارجاعات:

۱. گلدوزیان ایرج، ۱۳۹۰، ص ۳۴۶ و ۳۴۷
۲. شمس ۱۳۸۸، ص ۱۳۶
۳. معین، ۱۳۸۰، ص ۲۰۰۶.
۴. M.planiol, Traite paratique de droit civil francais, Vol. VII, paris 7954 no 1509. P. 958
۵. صفایی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۵
۶. الشهید الثانی، ص ۱۲۹
۷. بقره، سوره ۲، آیه ۲۸۳.
۸. بررسی تطبیقی جایگاه شهادت شهود در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران، ازاد اسلامی، بابل، کارشناسی ارشد، صفایی، ص ۱۴۳
۹. کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۱۱۱
۱۰. صفایی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۲ و ۲۰۳
۱۱. سید حسن امامی. جلد ۶. ص ۱۹۴
۱۲. کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۷۸۷
۱۳. زراعت، ۱۳۸۸، ص ۱۴۱
۱۴. صفایی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۱
۱۵. زراعت. ص ۳۰۵
۱۶. شرح لمعه ص ۲۹۱. مبانی تکملة المنهاج؛ ص ۸۰. علم القضاء؛ ص ۲۱۹
۱۷. امامی، ۱۳۴۰، ص ۱۹۵
۱۸. محقق داماد ص ۷۵
۱۹. امامی ص ۱۳۹۶ جلد ۶
۲۰. کاتوزیان ناصر، اثبات و دلیل اثبات، جلد دو، ص ۴۳
۲۱. محقق داماد. ص ۰۷۳
۲۲. مائده ۱۰۶
۲۳. جعفری لنگرودی، ص ۱۷۸
۲۴. گلدوزیان، ۱۳۹۰، ص ۳۴۶ و ۷
۲۵. نجفی، ص ۶۹

۲۷. امامی، ۱۳۴۰، ص ۱۶۷
۲۸. ادله شمس، ۱۳۸۸، ص ۱۴۴
۲۹. ادله شمس، ف ۱۳۸۸، ۱۴۴
۳۰. امم خمینی، ۱۳۶۹، ص ۴۴۴
۳۱. ماده ۲۹۵ ق.ا.د کبک
۳۲. صفایی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۴
۳۳. صفایی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۴
۳۴. صفایی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۵
۳۵. جواهر کلام. ص ۷۰ تا ۷۴
۳۶. جواهر کلام. ۷۴-۸۰
۳۷. زراعت، ۱۳۸۸، ص ۱۱۸
۳۸. جیمز، ۱۳۷۲، ص ۲۸ و ۳۰
۳۹. قایم مقام فراهانی. ص ۱۸۳ و ۴
۴۰. قایم مقام. ص ۳۸
۴۱. دیوان عالی کشور، رأی شماره ۱۷۰۶ مورخ ۱۳۱۸/۷/۸ به نقل از: صدرزاده افشار(سید محسن): «ادله اثبات دعوتی در حقوق ایران»، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶، ص ۲۵
۴۲. لنگرودی، ص ۳۹۹.
۴۳. «حکم شماره ۸/۳۳۰ مورخ ۱۳۲۰/۸/۲۹ شعبه سوم دیوان عالی کشور»
۴۴. پایگاه اطلاع رسانی مکارم <http://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=21&lid=0&mid=17573>
۴۵. شاملو احمدی، ۱۳۸۳، ص ۲۷۸.
۴۶. اشوری، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳.
۴۷. آخوندی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۷
۴۸. آخوندی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۸
۴۹. شاملو، ۱۳۸۳، ص ۲۸۴
۵۰. فلسفه التشریح، ص ۲۴۳
۵۱. شاملو احمدی، ۱۳۸۳، ص ۲۷۷.
۵۲. دکتر رضا نوربهایی، ۱۳۶۸، ص ۱۸۹.
۵۳. فرانسه و آمریکا، بررسی مسؤولیت کیفری شاهد با رویکردی بین المللی